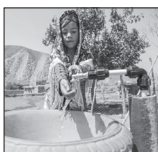
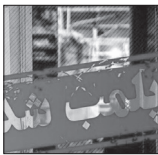


بازنگری در تعریف مناطق
کم‌برخوردار ضروری است



۲

پلمب ۶ واحد صنفی
در علی آبادکتول



۲

۵۳ هزار کارخانه در شهرک‌های صنعتی
کشور فعال است



۳

یادداشت اول

از تاریخ بیاموزیم

■ احسان مکتبی

جناب ابوالفضل بیهقی شرحی درباره سیلی که در روزگاری در محلت آنها جاری شده بود، آورده است. این داستان اگر چه شرح سیل است اما آموزه‌هایی دارد که خوب است بشنویم و درک کنیم و تا هنگامی که کار از دست نشده است، بیندیشیم که سیل، استعارتی است برای اهل تعقل و تأمل و شاید کنایتی است از احوال این روزهای ما ایرانیان چه در میهن عزیزمان و چه در خارج از مرزهای جغرافیایی. بیهقی می‌گوید: روز شنبه نهم ماه رجب میان دو نماز بارانکی خرد خرد می‌بارید، چنانکه زمین تر گونه می‌کرد. و گروهی از گله‌داران در میان رود غزنین فرود آمده بودند و گاوان بدانجا بداشته، هر چند گفتند: از آنجا برخیزید که محال بود بر گذر سیل بودن، فرمان نمی‌بردند، تا باران قوی‌تر شد، کاهل وار برخاستند و خویششان را بپای آن دیوارها افکندند که به محلت دیه آهنگران پیوسته است و نهفتی جستند، و هم خطا بود، و بیارامیدند. جناب بیهقی ادامه می‌دهد: پس نماز خفتن بدیری و پاسی از شب بگذشته، سیلی در رسید که اقرار دادند پیران کهن که بر آن جمله یاد ندارند. و درخت بسیار از بیخ بکنده می‌آورد و مغافصه در رسید. گله‌داران بچستند و جان را گرفتند و همچنان استرداران، و سیل گاوان و استران را در ریود و به پل رسید و گذر تنگ، چون ممکن شلی که آن چندان درخت و چهارپای بیک بار بتوانستی گذشت؟ طاقهای پل را بگرفت، چنانکه آب را گذر نبود و بیام افتاد، مدد سیل پیوسته چون لشکر آشفته می‌در رسید، و در بازارها افتاد و.... آموزه اش آن است که تا آن هنگام که فرصتی برای جبران هست باید در تدبیر امور کوشید و امروز دولت پزشکیان و شخص او به جهت وجهه ای که در میان اقوام ایرانی دارد یک فرصت است و از آنجا که سیاستمداران ما، خداوندگاران سوزاندن فرصتها هستند....

ادامه در صفحه ۲



زوج‌هایی که خوشبختی را
در سادگی جستجو می‌کنند

« ۸ »



راز ماندگاری شعر
در مردمی بودن آن است

« ۴-۵ »



کمک ۱۰ میلیارد ریالی شورای شهر
به مدرسه بسکتبال نیکا

« ۳ »



قابوس را

آزاد کنید

ادامه در صفحه ۲

ادامه یادداشت اول

از تاریخ پیاموزیم

پس شایسته است کمی تامل را پیشه خود کنند و با ارایه طرحهایی که ملت از آنها گذشته اند و دیگر چندان وقعی به آن نمی گذارند وقت کشور را زایل نکنند و بدانند که مساله امروز ایران حجاب دختران نیست، مشکل امروز ایران تابعیتهای قهری نیست و از این خردک بازی ها بگذرید، بحران این مملکت فقدان مشروعیت است که به واسطه سیاستهای نادرست و کارگزاران ناتوان بوجود آمده است و باید برای آن چاره اندیشی کرد، بحران کشور عدم حضور شهروندان در پای صندوق رای است که باید در آن تامل کرد و زمینه های حضور آنها را با اصلاح بنیادین امور در انتخاب ها فراهم کرد و دل شهروندان را به دست آورد والا آن چنان که بیبھی در روایتش آورده است اگر سخن خردمندان را به گوش نگیرید، دیر نخواهد بود که خدای ناکرده سیلی مهیب در رسد و کار از دست بشود و آنگاه دست گزیدن را چه سود و منفعتی خواهد بود؟ استاد سخن حضرت سعدی به زیبایی می فرماید:

سرچشمه شاید گرفتن به بیل
چو پر شد نشاید گرفتن به پیل

صاحب امتیاز

ادامه تیر اول

علی کیان - این جا گنبدکاووس یا همان گرگان قدیم است، شهری با قدمت بالغ بر ۴۰۰۰ سال، که به خاطر دارا بودن بلندترین برج آجری دنیا با همین نام که در قرن یازدهم میلادی بنا شده است و همچنین به عنوان اولین شهر با معماری شطرنجی در ایران، معروف است. گنبدکاووس قلب ترکمن صحراست. برج قابوس بنایی تاریخی از دوران زبیریان یادگار است که به دستور قابوس بن وشمگیر، چهارمین امیر زبیری، در سال ۳۹۷ هجری قمری (برابر با سال ۳۷۵ خورشیدی) بنا شده است، تا پس از مرگش در آنجا دفن گردد. این برج یادگار

شهر باستانی جرجان است که در دوران زبیریان از مراکز علمی و هنری منطقه بود، اما پس از حمله مغول نابود شد. برج قابوس را در چند کیلومتری خارج از شهر گرگان احداث کردند. بعدها در دوره اول حکومت پهلوی، شهر جدیدی دور این مکان تاریخی شکل گرفت که به نام گنبدکاووس نامیده شد. سالها قبل اگر از احوالات برج قابوس می پرسیدی، با اشتیاق و ذوق فراوان برای تان توضیح می دادند و اگر هر روز هم صحبتی از آن به میان می آمد باز هم تازگی داشت، اما امروز این برج را چه شده است؟؟ این همه غربت برای چه؟؟ برجی که نماد ملی ایرانیان و یکی از مفاخر دنیاست. در سالیان دور برج قابوس با طلوع خورشید بیدار می شد و تا پاسی از شب زیر نور مهتاب زیبا پذیرای شهروندان و گردشگران بود. مردم با اشتیاق در محوطه این برج قدم می زدند و از عظمت و

بازنگری در تعریف مناطق کمبرخوردار ضروری است

رفع مشکلات شهرک صنعتی این شهرستان تاکید کرد و گفت: با اینکه قول بهره برداری تصفیه خانه فاضلاب این شهرک تا پایان سال ۱۴۰۱ داده شده اما تاکنون این امر محقق نشده است. مهلی دهرویه افزود: ضعف در زیرساختها، کمبود مواد اولیه برای واحدهای تولیدی و گرانی آن، عدم پرداخت تسهیلات سرمایه در گردش به واحدهای تولیدی، ضعف ولتاژ برق، بالا بودن هزینه حمل و نقل و عدم پرداخت تعهدات ارزی در واردات ماشین آلات از جمله مشکلات واحدهای تولیدی گنبدکاووس است. وی اضافه کرد: نظام مسائل و مطالبات واحدهای تولیدی گنبدکاووس باید مورد توجه مدیران کشوری



وجود دارد که گنبدکاووس با قدمت بیش از هزار سال یک نمونه آن است. وی اضافه کرد: به سبب برخی مشکلات زیرساختی و شرایط اقتصادی، گرانی و سختی تامین مواد اولیه بسیاری از واحدهای تولیدی گلستان و گنبدکاووس با گنجایش بسیار پایین در حال تولید هستند. آق ارکاکلی ادامه داد: برای توسعه گلستان باید قابلیت ها و چالش های آن به درستی به مدیران استانی و ملی منتقل شود تا آنها در تصمیم گیری های خود تجدینظر و اعتبارات و امکانات ویژه به این استان و شهرستانها اختصاص دهند. فرماندار گنبدکاووس هم در این جلسه بر لزوم

گنبدکاووس در مجلس شورای اسلامی، ایجاد شهرک صنعتی تخصصی در گنبدکاووس، ضرورت پرداخت حق بهره مالکانه معادن صدف و یخ در این شهرستان و گلستان، تامین زیرساختها در شهرکهای صنعتی پورته برق، آب و تصفیه خانه فاضلاب، انتخاب رایزن صنعتی واحداث راه آهن؛ اینچنین برون - گنبدکاووس - آزلشهر - شاهرود را از دیگر نیازهای توسعه بخش صنعت این استان دانست. آق ارکاکلی افزود: باید نگاه توسعه ای به گلستان از صرف کشاورزی به صنعت و گردشگری تغییر کند زیرا ظرفیت های بالقوه در این ۲ بخش در استان

نماینده مردم گنبدکاووس در مجلس شورای اسلامی با یادآوری اینکه هیات وزیران در سال ۱۳۸۸ تعریف مناطق کم برخوردار و محروم را تصویب و ابلاغ کرده است، بیان کرد: این تعریف مبهم نیاز به بازنگری دارد و دایره شمول آن باید گسترش یابد. به گزارش روابط عمومی، عبدالرحیم آق ارکاکلی در نشست با فعالان اقتصادی و صاحبان واحدهای تولیدی گنبدکاووس که نمایندگان از وزارت صنعت، معدن و تجارت هم در آن حضور داشتند، گفت: گلستان به رغم نام زیبا و سرسبزی که بخشی از آن دارد در بسیاری از شاخصها جزو استانهای کم برخوردار کشور است. وی افزود: حدود سه دهه است که کشاورزی

بودن گلستان مانع از استقرار صنایع بزرگ در آن شده تا نه تنها سرمایه گذاران به این استان نیایند بلکه سرمایه گذاران این استان و گنبدکاووس مجبور به سرمایه گذاری در خارج گلستان شدند. آق ارکاکلی اضافه کرد: تاکنون هیچ یک از شرکت های بزرگ و هلدینگها زیرمجموعه وزارتخانه ها از جمله صمت، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دفاع در گلستان سرمایه گذاری نکردند. وی ادامه داد: با اینکه حدود ۶۰ درصد فعالان اقتصادی گلستان از گنبدکاووس هستند اما این شهرستان مرزی از داشتن شعبه بانک توسعه اسلامی و بانک گردشگری محروم است. نماینده مردم

پلمب ۶ واحد صنفی در علی آبادکتول



فرمانده انتظامی علی آبادکتول از پلمب ۶ واحد صنفی خبر داد که اقدام به عرضه غیرمجاز قلیان و تنباکو کرده بودند. به گزارش روابط عمومی، حسین نوروزی اظهار کرد: در پی وقوع چندین مورد تخلفات صنفی در شهرستان، موضوع در دستور کار مأموران پلیس امنیت عمومی این فرماندهی قرار گرفت. وی افزود: با اقدامات تخصصی و پلیسی ۶ واحد متخلف صنفی که اقدام به عرضه و توزیع غیرمجاز قلیان و دخانیات بین جوانان می کردند شناسایی و با هماهنگی مرجع قضائی پلمب شدند. وی با اشاره به ارسال پرونده متخلفان به مرجع قضائی افزود: پلیس در موضوع امنیت و حفظ ارزش های اسلامی در جامعه، با کسی مماشات نداشته و با مخلان نظم و هنجارشکنان قاطعانه برخورد خواهد کرد.

بیان کرد: پرتفو صنعت بیمه کشور ۳۷۹ هزار میلیارد تومان بوده و این رقم برای گلستان سه هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان است. نایب رییس شورای هماهنگی شرکت های بیمه بازگانی استان گفت: خسارت پرداختی صنعت بیمه در کشور ۱۳۳ هزار میلیارد تومان است و مبلغ خسارت صنعت بیمه در استان دو هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان است. وی تعداد شعب بیمه های فعال در کل کشور را هزار و ۴۴۰ شعبه و در استان گلستان را ۳۵ شعبه اعلام و تصریح کرد: تعداد نمایندگان حقیقی و حقوقی کل صنعت بیمه در کشور ۱۰۲ هزار نماینده و در استان گلستان این رقم ۲ هزار نماینده است. وی ادامه داد: ضریب خسارت حوزه ثالث و بلنه در گلستان به دلیل نقاط پر خطر بالایی که در استان داریم نسبت به کشور بیشتر است. کاملی با بیان اینکه صنعت بیمه در حوزه اشتغالزایی بسیار خوب عمل کرده است، ادامه داد: ۷۰ درصد جمعیت مردم گلستان فاقد بیمه تکمیلی هستند و فقط ۳۰ درصد مردم بیمه درمانی تکمیلی دارند.

لیلا حسین زاده - نایب رییس شورای هماهنگی شرکت های بیمه بازگانی گلستان ضمن تاکید بر ضرورت افزایش آموزش همگانی در حوزه بیمه گفت: تنها ۳۰ درصد مردم گلستان از خدمات بیمه تکمیلی درمان استفاده می کنند. محمد کاملی در همایش گرامیداشت هفته صنعت بیمه، ارائه محصولات بیمه ای، آموزش و فرهنگ سازی را سه عامل مهم در افزایش ضریب نفوذ بیمه برشمرد و اظهار کرد: قطعاً افزایش ضریب بیمه آسایش، رفاه و آرامش مردم را در پی خواهد داشت. نایب رییس شورای هماهنگی شرکت های بیمه بازگانی بیان کرد: محوریت برنامه صنعت بیمه امسال نواختن زنگ بیمه در مدارس گلستان است و این امر بیانگر اهمیت ضرورت آموزش در بحث بیمه است. کاملی با اشاره به اینکه ضریب نفوذ بیمه در کشور ۲۷ و در استان گلستان ۲۱.۴ است، گفت: گلستان به لحاظ ضریب نفوذ بیمه، از میانگین کشوری بالاتر است و به صورت مشترک با گیلان در رتبه چهارم قرار دارد. کاملی

۷۰ درصد گلستانی ها فاقد بیمه تکمیلی هستند

۵۳ هزار کارخانه در شهرک‌های صنعتی کشور فعال است

مدیر نوسازی، بازسازی و بهره‌وری صنایع سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران از فعالیت ۸۷۲ شهرک و ناحیه صنعتی در کشور خبر داد و بیان کرد: این شهرک‌ها در مجموع میزبان ۵۳ هزار واحد صنعتی هستند که سهم استان گلستان ۸۸۰ واحد در ۲۴ شهرک و ناحیه صنعتی است. به گزارش روابط عمومی، رامین دانش در نشست با برخی فعالان اقتصادی و صاحبان واحدهای تولیدی شهرستان مرزی گنبدکاووس افزود: راهبرد دولت چهاردهم، حمایت از فعالان اقتصادی است. وی با اشاره به فعالیت منطقه ویژه اقتصادی اترک به مساحت هزار هکتار در شمال گلستان، اضافه کرد: این منطقه که زیرساخت‌های آن بویژه تامین برق آن باید هرچه سریعتر فراهم شود، فرصت خوبی برای سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی این استان است. دانش ادامه داد: زیرساخت‌های مورد نیاز طرح توسعه ۶۰ هکتاری شهرک صنعتی گنبدکاووس و راه‌اندازی تصفیه خانه فاضلاب آن هم در دستور کار وزارت صنعت، معدن و تجارت و شرکت شهرک‌های صنعتی گلستان قرار دارد. مدیر نوسازی، بازسازی و بهره‌وری صنایع سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران همچنین بر لزوم ایجاد مزارع انرژی خورشیدی در زمین‌های همجوار شهرک‌های صنعتی برای تامین برق مورد نیاز صنایع مستقر در آن تاکید کرد و گفت: برای تحقق این مهم می‌توان از ظرفیت سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ و هلدینگ‌های زیرمجموعه وزارت صنعت، معدن و تجارت و مشارکت بخش خصوصی استفاده کرد. دانش افزود: در سه نقطه شهرستان گنبدکاووس ۱۰۰ هکتار



زمین برای ایجاد مزارع انرژی خورشیدی پیش بینی شده که می‌توان تا ۳۰ مگاوات برق برای صنایع تولید کرد. وی اضافه کرد: برای برخورداری صاحبان واحدهای فعال تولیدی در شهرک صنعتی گنبدکاووس و نیز تشویق دیگر سرمایه‌گذاران برای حضور در این شهرک و طرح توسعه آن باید تلاش کرد این شهرک که اکنون از مناطق برخوردار است به لیست مناطق کم برخوردار اضافه و از مزایای این قسمت بهره‌مند شود. مدیر مطالعات اقتصادی و توسعه کلان صنعتی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) هم در این جلسه از آمادگی این سازمان برای سرمایه‌گذاری در مناطق کم برخوردار و

صنایع نوین خبر داد و گفت: مأموریت تعریف شده برای این سازمان مشارکت ۲۰ تا ۴۰ درصدی سرمایه‌گذاری در چنین مناطق و طرح‌هایی است. مرتضی واسعی افزود: ایامیدرو می‌تواند در راه‌اندازی مزارع انرژی خورشیدی در صورتی که مجوزهای تامین زمین، حفاظت محیط زیست و برق منطقه‌ای گرفته شود به صورت مشارکتی سرمایه‌گذاری کند. وی اضافه کرد: مدیران دولتی و فعالان اقتصادی استان گلستان و گنبدکاووس می‌توانند طرح‌های پیشنهادی خود را به این سازمان ارائه دهند و پس از بررسی و تایید در هیات مدیره، اقدامات لازم برای سرمایه‌گذاری انجام خواهد شد.

خبر

۵۶ متهم تحت تعقیب در گنبدکاووس دستگیر شدند



فرمانده انتظامی گنبدکاووس از دستگیری ۵۶ متهم تحت تعقیب مراجع قضایی در این شهرستان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، نادعلی صادقی اظهار کرد: در اجرای طرح شناسایی متهمان تحت تعقیب و متواری، دستگیری این افراد قانون گریز در دستور کار پلیس‌های تخصصی و مأموران انتظامی گنبدکاووس قرار گرفت. این مقام انتظامی افزود: با تلاش مأموران در این راستا ۵۶ متهم تحت تعقیب دستگیر و به مراجع قضایی معرفی شدند.

۱۰ درصد از مرکبات گلستان قابلیت صادرات دارد



مدیر باغبانی جهادکشاورزی گلستان گفت: حدود ۱۰ درصد از مرکبات گلستان قابلیت صادرات دارد. به گزارش روابط عمومی، نوید رضا فرهانی با اشاره به اینکه گلستان هفت هزار و ۳۰۰ هکتار باغ پرتقال و ۸۵۰ هکتار نازنگی دارد اظهار کرد: حدود ۱۰ درصد از مرکبات گلستان قابلیت صادرات دارد. وی با اشاره به عملکرد خوب باغات مرکبات استان، افزود: با وضعیت موجود پیش بینی می‌شود بیش از ۳۰ درصد میانگین سال‌های گذشته در استان محصول برداشت شود. مدیر باغبانی جهاد کشاورزی گلستان گفت: شهرستان‌های چون گرگان، کردکوی و بندرگز بیشترین سطح باغ‌های مرکبات استان را به خود اختصاص دادند. وی با اشاره به اینکه برداشت مرکبات در گلستان از اواسط شهریور ماه آغاز شده و تا اواسط دی ماه ادامه دارد یادآور شد: حدود ۳۰ درصد از تولید مرکبات استان ظرفیت تازه خوری دارد و بقیه فرآوری یا نگهداری و به تدریج تا عید نوروز به بازار می‌آید.

کمک ۱۰ میلیارد ریالی شورای شهر به مدرسه بسکتبال نیکا



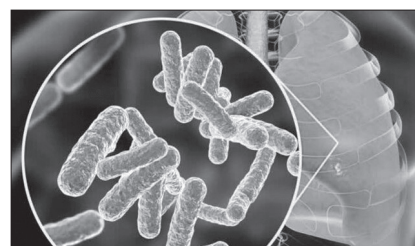
کمک ۱۰ میلیارد ریالی شورای شهر به مدرسه بسکتبال نیکا اعضای شورای اسلامی شهر گرگان با کمک ۱۰ میلیارد ریالی به تیم دختران مدرسه بسکتبال نیکا این شهر برای حضور در لیگ دسته اول باشگاه‌های کشور موافقت کردند. به گزارش روابط عمومی، ۹ عضو شورای اسلامی شهر گرگان در جلسه علنی شنبه شب خود، درخواست هیات بسکتبال این شهر و مدیریت مدرسه بسکتبال نیکا را که به صورت نامه ۲ فوریتی از هیات رئیسه به صحن ارسال شده بود، مورد موافقت قرار دادند. درخواست ابتدایی ارسال شده به هیات رئیسه شورای اسلامی شهر گرگان برای کمک به این تیم پنج میلیارد ریال بود که با نظر رئیس شورای اسلامی این مبلغ به ۱۰ میلیارد ریال افزایش یافت. اعضای شورای اسلامی شهر گرگان همچنین به سه لایحه خود که از سوی کمیته انطباق فرمانداری رد شده بود، اصرار کرده و یک لایحه برگشتی را به جلسه بعد و لایحه

سلیمانی مدیر علمی رضویه جهت برپایی ایستگاه صلواتی در حاشیه میدان شهرداری در ایام فاطمیه، مساعدت به هیات فاطمیون جهت برپایی عزاداری و اطعام در ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) و کمک به هیات چهارده معصوم به مناسبت همین ایام، موافقت با شرایط واگذاری عملیات اورهان کردن، تعمیر و نگهداری پله برقی و آسانسور پل‌های هوایی در قالب نامه به شهرداری برای ارائه لایحه موافقت کردند. همچنین لایحه مربوط به کمک به هیات کشتی گلستان جهت برگزاری رقابت‌های کشتی قهرمانی کشور و انتخابی تیم ملی از دستور کار خارج شد و اعضای شورای شهر به برگزاری و اختیار هزینه ۵۰۰ میلیون ریالی به منظور برگزاری رقابت‌های آمادگی جسمانی آتش‌نشانان منطقه چهار کشور رای مثبت دادند. اعضای شورا همچنین به پیشنهاد رئیس شورا برای مساعلت ۲۰ میلیارد ریالی به تیم والیبال پاس گرگان رای مخالف دادند.

پنجم رد شده کمیته انطباق مبنی بر بخشودگی جرائم خسارت‌های ناشی از چک‌های برگشتی احمد خیابانی را تصویب کردند. همچنین لایحه مساعدت مالی به ۲ پرسنل شهرداری که دارای بیماری سخت بودند، فراخوان عمومی جذب سرمایه‌گذار با ایجاد و راه‌اندازی مجموعه تفریحی و گردشگری کارتینگ

بر روی عرصه متعلق به شهرداری به مترای ۱۱ هزار مترمربع در جاده آق‌قلا ابتدای ورودی جاده دسترسی به روستای کریم‌آباد افزایش نرخ بهای خدمات شهری و محلی اتباع و مهاجرین در سال جاری و همچنین نامه‌های کمیسیون‌های مختلف در خصوص همکاری و مساعدت مالی به پایگاه بسیج سپهبد

درمان ۱۹۴ بیمار مبتلا به سل در گلستان



محسوب می‌شود، وی خاطر نشان کرد: با توجه به اینکه حدود ۱۴ درصد بیماران استان ماه اسفند مثبت هستند و ۴۷ درصد این بیماران در سطوح ۲+ و ۳+ هستند لازم است بیماریابی بیماران به صورت فعال صورت پذیرد تا بیماری در مراحل ابتدایی‌تر در جامعه کشف و چرخه انتقال بیماری کنترل شود. معاون فنی مرکز بهداشت استان در پایان گفت: لازم به ذکر است در سال ۱۴۰۲ بیماریابی فعال بیماری سل در گروه‌های پرخطر در شهرستان‌های استان انجام شد.

معاون فنی مرکز بهداشت گلستان گفت: سال گذشته تعداد ۶۱ هزار و ۱۰۱ فرد دارای فاکتور خطر در گلستان مورد بررسی قرار گرفتند که از بین آنها ۱۹۴ بیمار مبتلا به سل کشف و تحت درمان قرار گرفتند. به گزارش روابط عمومی، سید مهدی صداقت گفت: بروز سل در کشور در سال ۱۴۰۲ حدود ۸۳ درصد هزار نفر (انواع سل) و این شاخص در سال ۱۴۰۲ در استان گلستان ۲۴/۸ در صد هزار نفر می‌باشد (استان گلستان جز استان‌های پر شیوع این بیماری

احمد نعمت زاده، شاعر آیینی:

راز ماندگاری شعر در مردمی بودن آن است

سید مهدی جلیلی

اشاره:

احمد نعمت زاده، شاعر پیشکسوت آیینی، متولد بهمن ماه ۱۳۲۳ در فومن گیلان، سرهنگ بازنشسته و فرمانده اسبق هنگ مرزی گنبد کاووس، به خاطر کسوت خدمت نظامی که برگزیده، در بسیاری از شهرهای میهن مان سیر و سیاحت و اقامت گزیده است و حال ۳۶ سال است در گنبد کاووس ساکن است. صدای خوشی دارد که وقف مدح اهل بیت (س) کرده است و شعر خوانی‌هایش نیز شکوه و طنطنه خاصی دارد. عضو شورای مرکزی «مجمع الشعراء اهل بیت» استان گلستان، وابسته به موسسه فرهنگی میرداماد گرگان است و انتشار مجموعه شعر «مرگ سرخ شقایق» و «شمشیرهای بی‌وضو» را در کارنامه ادبی خود دارد. موسسه فرهنگی میرداماد، عصر سه‌شنبه ۱۳ آذر برای عمری فعالیت ادبی در حوزه شعر آیینی از او تجلیل خواهد کرد. به همین بهانه، گفت‌وگویی با وی انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

از کی و چطور وارد دنیای شعر و شاعری شدید؟

تربیت و رشد من در خانواده‌ای شکل گرفت که معمولا علاقه‌مند به ادب بوده در محاورات معمولاً شکل و نحوه سخن گفتن‌شان همراه با وزن و آهنگ بود. و اگر از سواد کافی برخوردار می‌شدند و احیانا در مجامع ادبی که آن روزها اصلا در محل زندگی ما وجود نداشت برخوردار بودند، شاید تحت تاثیر آن و با آموزش فنون و آرایه‌های ادبی آثاری را هم رقم می‌زدند. برای اثبات این قسمت از عرایض من نسل بعدی تشکیل می‌شوند از خاله زاده‌ام شیون فومنی، شاعر گرانقدر حتی برادرانش و در خانواده این حقیر، فرزندان من اعم از پسر و دختر که از طبع ظریف ادبی و هنری بی بهره نبوده‌اند. بنابراین رشد من هم در چنین خانواده‌ای بی تاثیر در طبع و روان من نبود. و اما آشنایی با اساتیدی چون شادروان حسنعلی بای، اسماعیل جاجرمی و رجب بذرافشان جرقه‌ای بود برای شکوفایی شوق نهفته ادبی در من و استمرار شرکت در انجمن ادبی گنبد که به نام حافظ بزرگ، تزیین یافته با دوستانی که امروزه به عنوان شاعران خوب گلستان و ایران مطرح هستند و خوشیخانه صاحب تالیفاتی نیز هستند، محشور بوده‌ام و بجاست از شادروان شیون نیز یاد کرده باشم که مصداق کله‌ها علیه فان بودند، خدا بیامرزده‌شان.

چه تعریفی از شعر دارید؟

صحبث از شعر و این که شعر چیست؛ دشوار است و حتی غیر ممکن زیرا به اندازه انبانی بشر در این کره خاکی می‌توان تعریفی را ارائه نمود و به عنوان تاریخ زندگی بشر در کره زمین نام گذاری کرد چون هر جا انسان بوده شعر هم بوده به اشکالی متفاوت کما اینکه امروزه نظیر آن را در قالب‌های مختلف می‌بینیم و قضاوت می‌کنیم. کلا باید عرض کنم تعریف جامعی که شعر را در چهار چوبی به قید بکشد به نظرم وجود ندارد چرا که در طول دوران‌های مختلف ادبی عده‌ای آمده‌اند، قسمت اعظمی از اشعار را جدا کرده به عنوان اینکه آن را از دایره اشعار خارج و مردود دانسته و در دوره دیگری هنرمندانی دیگر نثر پارسی را شعر عنوان نموده‌اند. نمونه بارز آن رضا پراهنی در کتاب طلا در مس می‌گوید؛ تعریف شعر بسیار مشکل است، اصولاً یکی از مشکل ترین کارها در این زمینه است. شاید



بشود گفت که شعر تعریف ناپذیرترین پدیده‌ای است که وجود دارد. منتقدین ادبی، با نگاه به عناصر مختلف شعر تعبیرهای گوناگونی از آن ارائه نموده اند. مثلاً؛ شعر جاودانگی یافتن استنباط احساسی انسان از یک لحظه از زمان گذرا در جامه واژه‌هاست. شعر فشرده‌ترین ساخت کلامی است. شعر یک واقعه ناگهانی است از سکوت بیرون می‌آید و به سکوت می‌رود. شعر زاینده بروز حالت ذهنی است برای انسان در محیطی از طبیعت. و و و.

آیا برای شعر چهار چوب قائل هستید؟

ادبیات، همراه با تاریخ پر نشیب و فراز ایران راههای سختی را پیموده است. در یک زمان شاعران، برای شعر چهار چوبی با شروطی مثل وزن، قافیه، ردیف و مضمون پرداخته‌اند و شعر با این گونه عقاید چهار چوب منظمی داشته و فقط یک نگاه واحد در آن حاکم بوده که با شرایط ذکر شده تطابق داشت و فهم آن برای مخاطب آسان و سهل بوده اما امروزه نگاه به گونه‌ای دیگر است، خصوصاً در دو دهه اخیر در کشور ما شعر متفاوتی ظهور کرده است. شعری که در آن شاعران از نگاه متفاوت ساختار شکن چند صدایی بهره گرفته‌اند. پس می‌توان گفت که شعر آینده محدودیتی به نشانه‌های شعری خاصی ندارد. به نظر من باید ظرافت شاعرانه در شعر موج بزند هر چند تابع نظم و قوانین بوده باشد ولی من چهارچوبی برای شعر تعریف نمی‌کنم، باز هم تاکید می‌کنم که ظرافت‌ها باید حفظ بشود.

این تغییرها و نو آوری‌ها در شعر ما چطور اتفاق افتاد؟

در اواخر دوره قاجاریه وضع ادبیات به گونه‌ای بود که احساس می‌شد که باید به کانال جدیدی در قلمرو بهتری هدایت بشود البته بعد از دوره بازگشت ادبی که تدبیری غیر مناسب برای دمیدن روح تازه در کالبد شعر کهن پارسی بود به نظر می‌رسید که شعر کلاسیک ایران بزرگ با همه جلوه گری‌هایش، قهرمانی‌هایش، عشق‌هایش با دنیا خیالی و لبریز از صلح و صفایش حالا باید صاحب قلمروی زیبا، سبز تر و با شکوه‌تری شود تا قابلیت خود را در حوزه‌های جدیدتری به نمایش بگذارد که این توفیق نصیب نیما شد. البته خالی از لطف نیست، این توفیق هم نیازمند معیارهایی بود که عبارت بودند از سنت شکنی، شتاب - که ویژگی دنیای امروز است که نشأت گرفته از ماشینی شدن زندگی است - تفسیر جهان بینی که اصولاً دوران مدرن تعریف

محترم قرار گرفته است. به دلیل اینکه دست‌مایه‌های این بخش خود از اهمیت ویژه‌ای در تاریخ اسلام برخوردار است. قیام سالار شهیدان حسین بن علی (ع) چیزی نیست که شاعری بتواند در ایران بدون نگریستن به آن مسیر شعری‌اش را بپیماید.

شعر آیینی و عاشورایی به نظر شما قالب خاصی دارد؟

خیر، شاعر آیینی فارسی، مجاز و مختار است از تمامی قالب‌هایی که مسیر سلیقه‌اش در آن است هنرنمایی کند. مثل مثنوی، غزل، رباعی، دو بیتی، قطعه، ترکیب بند و غیره. مفاهیم بزرگ دینی و مذهبی را در این قالب بریزد و تقدیم به جامعه هنر و مردم نماید.

پیش از این «مرگ سرخ شقایق» و «شمشیرهای بی‌وضو»، مجموعه‌هایی بوده که از شما چاپ شده و اشعار آیینی و عاشورایی شما را در بر دارد، مجموعه‌ای در دست چاپ و نشر دارید؟

بله، این دو مجموعه آیینی و بیشتر از همه عاشورایی است و مجموعه دیگری هم در قالب دوبیتی و شعرهای آزاد، در دست ویرایش و آماده‌سازی برای چاپ دارم.

به عنوان شاعر و اهل فرهنگ، از مدیران فرهنگی و هنری چه انتظاری دارید؟

وقتی از کمک مدیران و متولیان حوزه هنر در امور فرهنگی سخنی به میان می‌آید آدم احساس می‌کند که کوچکی بن بست وارد شده و راهی برای بیرون رفتن از آن را ندارد مگر اینکه دستی از غیب برون آید باعث نجات شود. من به عنوان شاعری که در این مسیر راه می‌پیمایم تاکنون، کمکی برای ارتقای شعرم از متولیان مربوطه و اداره محترم فرهنگ و ارشاد برخوردار نشده‌ام. امیدوارم دیگر شاعران بزرگ استان گلستان از این موهبت عزیزان برخوردار باشند.

و سخن پایانی؟

در آخر از موسسه فرهنگی پر تلاش میرداماد که به اهتمام آن اولین کتابم چاپ شد، باید تشکر کنم و از خدای توانا برای روح استادم شادروان حسنعلی بای تقاضای آمرزش داشته باشم و برای دیگر استادانم که از آنان آموختم،م دعاي خالصانه دارم و از شما هم که این فرصت را برام ایجاد کردید، صمیمانه تشکر می‌کنم و برای مدیران فرهنگی استانم از خدای توانا توفیق آرزو دارم. از شما ممنونیم که در این گفت‌وگو شرکت کردید.

آیا شعر امروز توانسته خودش را به مردم نزدیک کند؟

قبل از هر چیز باید بدانیم که شعر آیینی جامعه است و شاعر در این آینه خود را می‌بیند پس هر قدر این آینه صاف‌تر، صیقلی‌تر و بزرگ‌تر باشد، می‌تواند واضح‌تر و گویاتر و با فراگیری بیش‌تری مشکلات و مسایل جامعه را تبیین کند. بنابراین شعر وقتی مقبولیت پیدا می‌کند که از زبان مردم برای مردم حرف بزند. پریشانی‌ها و دغدغه‌های مردم را واگویند کند. اگر غیر از این باشد آن شعر با جامعه بیگانه بوده و فاقد وجهه برای مقبولیت خواهد بود. این مهم را در عصر ما به نام شعرهای آوانگارد می‌بینیم که پی بردن به مضامین شعر و مفاهیم آن به دلیل پیچیدگی قابل فهم و برداشت نیست. شعر باید از سستی گرایي و سهل انگاری که بلایی جانسوز در ادبیات فعلی است بیرون بیاید و راه میانه را پیدا کند تا به مخاطب نزدیک و نزدیک‌تر شود.

راز ماندگاری شعر در چیست؟

به نظر من راز ماندگاری شعر در صادق بودن آن است یا به عبارتی مردمی بودن آن است. (توانا بود هر که دانا بود) که با تمام سادگی و بی آرایگی، برای همیشه زمان ماندگار است چرا که به زبان مردم است، درد دل مردم است و در غایت در زندگی مردم جاری و ساری است.

شما از شاعران خوب آیینی گلستان هستید، از شعر آیینی و مصادیق آن بگویید.

ما اگر از منظر ادبیات به باورهای دینی نگاه کنیم می‌بینیم که یک موضوع عام جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند که آن را می‌توانیم شعر آیینی بدانیم. با این حساب از نظر عامه مردم و حتی برخی خواص شعر آیینی شعری است که صرفاً پیرامون مناقب و یا مرثیاتی خاندان عصمت و طهارت باشد.

و شعر عاشورایی بخشی از شعر آیینی است؟

شعر عاشورایی هم بخشی از شعر آیینی است. البته بخش پر رنگ آن، یعنی بخشی که شاید بیش از سایر بخش‌ها مورد کنکاش و قلم پردازی شاعران



شعر گلستان

فاطمه، فاطمه است



احمد نعمت زاده

گفتمش: از غربت زهرای بگو!
گفت: بغضی ناشکفته در گلو
گفتمش: او کیست؟ با احساس گفت:
بانوی مظلومه‌ی قرآن پزوه
گفت: در وصفش همین اندازه بس
شبیعه پیدا کرده از او آبرو
گفتم: از قبرش بگو گفتا بقیع
مادر گیتی نزاده مثل او
گفتمش: گفتی بقیع، آن در کجاست؟
گفت در دل‌های پاک آرزو
گفتم: از آتش بگو از میخ و در
گفت: شرح حال او را مو به مو
گفتمش: او کیست عالم محو اوست؟
گفت: هستی یافت از او سمت و سو
از کمالش پر بود در عرف ما
هست پیغمبر نماز و او وضو
گفتم: آخر هرچه میدانی بگو!
گفت: اقیانوس، گنجدر سبزو؟
گفتمش پس منتقم کو؟ گفت: هان!
می‌رسد بی‌شک ولی بی‌های‌وهو
گفت: می‌آید، نادر دیر و زود
می‌کند ناهرمی را زیر و رو
گفتمش: باشم سرپایا گوش گفت:
«جست‌وجو کن جست‌وجو کن، جست‌وجو»
گفتمش: دیوانگانش؟ گفت: هست!
از تبار سروهای لاله‌خو
گفتم: از داغ شقایق سوخت! گفت:
زخم چندین ساله، اما بی‌رفو
گفتمش شاهد براین گفتار کیست؟
گفت تنها دوست نه، حتی عدو
گفتمش خواهی شنید، گفت عشق
فاطمه یعنی علی نیمی از او
گفت احمد این قصیده ماندنی است
دارد از یاس کبوی رنگ و بو
گفتمش دیگر چه، گفتا یک کلام
فاطمه شد فاطمه بی‌گفت و گو

مرتضی را در بلایا چون سپر

فصل، فصل غم، شروع ماتم است
شاخه‌ی گل پشت در گویا خم است
دست در دست نهالش شادمان
شادی او گشت در کوچه خزان
در میان دست او گل‌پینه‌ها
صورتش نیلی ز ضرب کینه‌ها
چادرش در کوچه‌ها خاکی شده
سنگ‌فرش کوچه افلاکی شده
قوت بازوی او دیگر کم است
گیسوان زینبیش در هم است
نای آتش نیست تا شانه زند
یا که چارو بر در خانه زند
چند روزی گیسوان دخترش
شد پریشان مثل افکار ترش
از غم بابای خود دل‌تنگ شد
چند روزی کار خانه لنگ شد
در سکوت سرد یثرب آتش است
بهر مولایش همه جام‌الست
او فقط ام‌ابیه بود و بس
او فقط هم کفو مولا بود و بس
کوثر است و دشمنش جمله هلاک
داده احمد دست او قفل فلک
مرتضی را در بلایا چون سپر
جان مولایش بود جان پدر
بعد پیغمبر فلک بد ساز کرد
دشمنی با اهل دل آغاز کرد
کینه‌های ناکسان ابراز شد
گوشه‌گیری علی آغاز شد
یک مدینه بود و آه و همهمه
نطق‌های آتشین فاطمه
خطبه زهرای عدا را داغ کرد
شاخه خشکیده را او باغ کرد
گریه‌اش بهر پدر هر صبح و شام
ذولفقار حیسدری دارد به کام
خون دل‌ها خورد پهلوش شکست
مرتضی از این عزا در خون نشست

۳ شعر از زهرا رنگانی، گرگان



(۱)
هر روز گناه از گردنم سرک می‌کشد
بی‌آنکه انگشتم بلرزند
دکمه‌های پیراهنم را می‌بلندند
مادامی که
چای صبح من
بوی علف و طعم خاکستر می‌دهد...

(۲)
پوست خورشید تازه می‌شود
می‌دانم ایمان داری
به دسته‌های علف
به مادیاتی که علفزار
در شب‌هاتش قد می‌کشد
و درخشان و دیوانه می‌رقصد
و این جوانه‌ها
که می‌بخشی به اقیانوس
تنها من می‌دانم
سبزی و عریانی
خورشیدها و شب‌پرها را
بر حنجره‌ی تو آویخته‌اند...
فرو ریز از سبوت، مهربانی
که پاییزی
از این شاخه‌ها خواهد گریخت
به دامان پرنده،
و در انتهای رنج‌مان
بهار خواهد دمید...

(۳)
اینک تنها یک ستاره از دامنم فرو افتاده
دریا و اقیانوسی ندارم
تنها پیراهن گرم و خون آلود عطار را
بیش از آنکه آفتاب فرو افتد

بر تنم

برونم

زیر پوستم

مثل گلی سرخ آویخته‌ام

فرو ریز از سبوت مهربانی

که پاییزی از این شاخه‌ها خواهد گریخت

به دامان پاک پرنده

نامت بلند بانوی سپیده در نرگس و سوسن

جهانی در راه است....

دو غزل تازه از اوئیس محمدی گنبد کاووس



(۱)
کاش پرده‌های مسخره نبود
آسمان، اسیر پنجره نبود
جای خنله بر لبان مردمان
صبح، این همه «دهان‌دره» نبود
تا که شور عشق را نشان دهیم...
حاجتی به حرف و حنجره نبود
عشق، مرجع تمام مشکلات
دادگاه و بند و تبصره نبود
کاش حرف‌ها شبیه برف بود
این همه دروغ و ناسره نبود
خان نبود، کلخدا، خدا نبود
گفتمان زور و سیطره نبود
روی شاخ و برگ‌های باغ‌مان
زغ‌های زشت و زنجره نبود

(۲)
بهار سرزده آید درون خانه‌ی تو
شکوفه زار شود جان دخترانه‌ی تو
خدا کند که جهان طبق میل تو بشود
همای بخت نشیند به روی شانه‌ی تو
زمین قشنگ شود... عشق، آب و نان همه
چنان قشنگی دنیای کودکانه‌ی تو
خدا کند که تعصب از این جهان برود
جهان‌شمول شود مکتب زنانه‌ی تو
چقدر کوچک و تنگ‌اند واژگان زبان
برای گفتن معنای بی‌کرانه‌ی تو
شبیه شعر سپید است... واژه واژه قشنگ
بیان نرم و ظریف و مؤدیانه‌ی تو
خدا کند که در آخر چنان نسیم شوم
بدون مرز بگردم بی‌نشانه‌ی تو

چند غزل از سیدمحمد معاون زاده



تنهایی خویش
مرا انسی است با تنهایی خویش
که هر دم خواهم او را بیش از پیش
چه سود از عشق و از لیلا و شیرین
که ماندیم عاقبت ما با دلی ریش
وفای غم فزون از هرچه لیلاست
وفایت باد ای غم با دلم بیش
مثال عشق را خواهی بلدانی
چنان گرگ است بین گله‌ی میش
بیا و نگذیرم از حق که الحق
که باشد قهوه معنایش به تلخیش
می‌ارزد لحظه‌ای با عشق بودن
به عمری دل پریشانی و تشویش
شود دنیا به کام دلبرم نوش
اگرچه زد به ما باهرسخن نیش
رسانید از من مجنون به لیلا

که دستش پس زند پایش کشد پیش
مرا انسی است با تنهایی خویش
که هر دم خواهم او را بیش از پیش

المجنون

شبیه سایه مرا کرده است همراهی
غمی که در دل دریام کرده ملاحی
سری که حسرت سامان کشیده می‌دارم
دلی که گرم نشد جز به سردی آهی
شبیه زاغ حکایت پریده ام هر سو
به شوق قالب عشقی به شکل جانکاهی
همیشه بر سر بیدلی نشست‌ام با عشق
که از کنار مسیرش گذشت رویاهی
غلام همت آنم که زیر چرخ کیود
برای یاری یارش نکرده کوتاهی
چه لقمه‌ها که برابم گرفت تنهایی
چه شام‌ها که نشستیم به حسرت ماهی
همیشه همسفر موج‌های دریایی
چه ساده است مسیرت چه راحتی ماهی
میان چاه به فکر عزیزی مصرم
اگر صدا نکنندم کیوتر چاهی
به جان خویش دهم مژدگانی آنان را
که از حقیقت عشقم دهند آگاهی
بگو به هرکه به دنبال راه و رسم من است
بیا که می‌رسد این راه‌ها به گمراهی
نوشته‌اند به پیشانی‌ام: هو! المجنون!
همیشه در پی لبای خویشان راهی...

دچار

آدم دچار میشود و گریه می‌کند
بی‌اختیار می‌شود و گریه میکند
آنقدر بی‌کسم که گویی سایه‌ام مرا
ابر بهار می‌شود و گریه می‌کند
عقلم بهانه میکند و دل به یاد دوست
داغش هزار می‌شود و گریه می‌کند
سهراب را که دیدم و حال مرا شنید
قایق سوار می‌شود و گریه می‌کند
آن اعتماد سوخته حالا دگر مرا
آموزگار می‌شود و گریه میکند
تمساح هم برای گوزنی که دید گفت
آخر شکار میشود و گریه می‌کند
ای داغ مانده بر دل من... ای نماندنی
چشمت دچار میشود و گریه میکند

عطش

گم میکنم تو را وسط اضطراب‌ها
می‌بینم همیشه میان سراب‌ها
وقتی عطش به جای گلو بر دل افتاد
رفع عطش نمی‌کند از سینه آه‌ها
عقل سلیم می‌بلد روزگار، حیف...
ما را نوشته‌اند میان خراب‌ها
مجنون منم که نا زده می‌مست می‌شوم
پیشی گرفته خاطر‌هات از شراب‌ها

وابستگی

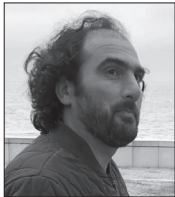
چشمم به یادت غرق باران است چندی
پایم پی‌ات در هر خیابان است چندی
گویا زمان فهمیده در فکر تو هستم
لح می‌کند، ساعت شتابان است چندی
شبها به نور ماه دل خوش کرده بودم
مهتاب هم از من گریزان است چندی
از کم‌حواسی‌های تو دیگر دل من
بی‌دل شده سر در گریبان است چندی
وابسته بودن عین آزادی است حافظ؟!
دنیا برابم مثل زندان است چندی
تا استخوانم رفته نه تا عمق جانم
دردی که بی‌دارو و درمان است چندی
کنمان نکن فهمیده‌ام گویا برایت
عاشق شبیه من فراوان است چندی
قلبی که در داغ وصال شد عزادار
چشم انتظار ختم هجران است چندی

قرعه

بنشین مقابلم که تماشا کنم تو را
در بهترین نقاط دلم جا کنم تو را
بی‌شبیه‌پیله باش، اگر هم کادر شدی
آیینه باش تا بشود ها کنم تو را
یکبار جای طعنه‌زن‌ها به من بگو
تا با کدام شیوه ملارا کنم تو را
با افتخار سنگ صورت تو می‌شوم

کای رودخانه وصل به دریا کنم تو را
شاید دوباره قرعه بنام من و تو خورد
باید برای عشق مهیا کنم تو را
بیهوده از چه بر در و دیوار میزنی
زخمی‌ترین! بیا که ملداو کنم تو را
یا رحم یا قصاص چرا وقت می‌کشی؟!
یکبار شد حواله به فردا کنم تو را

«دختر تجرش»



خسرو گرجی (کیا زاد)

دیشب خوب خوابیده‌ای
می‌دانم
به سگت شیر داده‌ای
می‌دانم
سر شیب به دوست
از عشق پیامی داده‌ای
می‌دانم
وقت استخرت ساعت ۲ نیست؟!
باز هم جا مانده‌ای
می‌دانم
عاشق خط چشم و گونه‌ی سرخ
پشت مائشین ملد بالا نشست‌ای
می‌دانم
سگت زبان دراز و عینکت
آفتابی ست
می‌دانم
به جشن تولد دوست پسترت
پشت چراغ قرمز جیبی‌ر داده‌ای
می‌دانم
سردرگمی با سربال‌های ماهواره
اما باز هم کلافه‌ای
می‌دانم
نیمه شب پارک و سگ بازی
حجابت کامل نیست
می‌دانم
عجب نیست از این همه دانستن
موردی هست که نیمه‌لانی
دختری هست که صبح بعد نماز
دست می‌برد به دعا
می‌دانی؟!
خانه‌اش کاهگل و سقفش سفال
دختری دم‌بخت، از قضا
می‌دانی؟!
اول صبح در زمین همسایه
دست می‌برد به نشاء
می‌دانی؟!
زن همسایه می‌گوید هی فلاتنی
بیا وقت غناست
می‌دانی؟!
چارقده به گردن بسته
از این چیزها چه می‌دانی؟!
دل خوش از نوای باد و قوریانغه
هست در آرزوی ناکجا
تو می‌دانی؟!
برای تکمیل جہاز عروسی هر دم
به لبش یا علی هست یا خدا
می‌دانی؟!
به همان علی و خلای کعبه قسم
این کجاست در دین ما؟!
از این چیزها چه می‌دانی?!



خانه‌های کوچک، دل‌های بزرگ؛

زوج‌هایی که خوشبختی را در سادگی جستجو می‌کنند

نشان‌دهنده همکاری و عشق ماست. زندگی آن‌ها در همان خانه کوچک آغاز شد. فضایی ساده با چیدمانی صمیمی که گرمای عشق در آن موج می‌زد. احمد و مهدیه با خنده می‌گفتند: خانه ۴۰ متری ما برای دو قلب عاشق، به اندازه یک کاخ جا دارد! این زوج امروز نیز با همان سادگی و عشق به زندگی‌شان ادامه می‌دهند. احمد و مهدیه با انتخابی متفاوت، نشان دادند که خوشبختی در برگزاری مراسم پرزرق‌وبرق یا خانه‌های بزرگ نیست، بلکه در صمیمیت، همکاری و همراهی بی‌قید و شرط در کنار همدیگر است. کیمیا و رضا زوج جوان ۲۷ و ۳۰ ساله‌ای هستند که در سال ۱۳۹۷ زندگی مشترکشان را آغاز کردند. آن‌ها داستانی متفاوت دارند؛ داستانی که در آن اصرار به چشم و هم‌چشمی و فشارهای اجتماعی را کنار گذاشتند و انتخاب کردند که زندگی را با آرامش و به دور از توقعات غیرضروری شروع کنند. به جای صرف هزینه‌های گزاف برای یک عروسی لاکچری و تهیه جهیزیه‌ای پر زرق و برق، تصمیم گرفتند با هم پولشان را روی هم بگذارند و خانه‌ای ۴۰ متری خریدند.



زندگی در ۴۰ متر عشق

احمد و مهدیه، زوجی ۲۷ و ۳۵ ساله، در سال ۱۳۹۹ تصمیم گرفتند زندگی مشترک خود را ساده، اما پر از عشق و معنا آغاز کنند. آن‌ها باور داشتند که خوشبختی در سادگی و صمیمیت است، نه در تجملات و هزینه‌های گزاف. این زوج، برخلاف رسم معمول، از برگزاری مراسم عروسی صرف‌نظر کردند. به جای آن، تنها با پوشیدن لباس عروس و داماد به یک آتلیه کوچک رفتند و چند عکس یادگاری گرفتند تا خاطره آغاز زندگی‌شان ثبت شود. سپس تصمیم گرفتند شادی زندگی‌شان را به شیوه‌ای متفاوت با اقوام نزدیک به اشتراک بگذارند. خانه کوچک ۴۰ متری آن‌ها گنجایش پذیرایی از همه اقوام در یک شب را نداشت. بنابراین، احمد و مهدیه برنامه‌ای خلاقانه ترتیب دادند: هر ماه یکی از گروه‌های خانوادگی را دعوت می‌کردند. یک ماه، خاله‌ها و دایی‌ها، ماه بعد عمه‌ها و عموها، و به همین ترتیب دوستان نزدیک. هر بار با یک شام ساده و صمیمی که با عشق آماده کرده بودند، فضای خانه‌شان پر از خنده و شادی می‌شد. جهیزیه این زوج هم داستان جالبی داشت. آن‌ها به جای آن‌که یک نفر همه هزینه‌ها را بر دوش بکشد، با هم برنامه‌ریزی کردند و به صورت مشترک هر آنچه برای یک زندگی ساده و آرام نیاز داشتند، تهیه کردند. از یخچال گرفته تا قابلمه‌های آشپزخانه، هر چیزی که می‌خریدند، نمادی از تلاش و مشارکتشان بود. مهدیه می‌گفت: وقتی با احمد برای خرید جهیزیه به بازار می‌رفتیم، احساس می‌کردم همه چیز بیشتر از وسایل،

عشق واقعی، در سایه تعهد و تلاش مشترک رشد می‌کند. استقلال، هرچند دشوار، طعمی شیرین‌تر از هر موفقیت آماده‌ای دارد.

جشن عشق در یک کافه کوچک

نگار و آرش، هر دو متولد دهه هفتاد، در یک پروژه معماری دانشجویی با هم آشنا شدند. عشق به هنر، سادگی، و ساختن چیزی از هیچ، آن‌ها را به هم نزدیک‌تر کرد. وقتی تصمیم به ازدواج گرفتند، می‌دانستند نمی‌خواهند مراسمشان زیر بار وام یا قرض برگزار شود. روز ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰، عقدشان را در یک کافه کوچک در مرکز تهران جشن گرفتند. آرش می‌گوید: کافه‌ای که انتخاب کردیم، همان‌جایی بود که بارها درباره پروژه‌های مشترک دانشگاهی‌مان حرف می‌زدیم. دل‌مان می‌خواست حس رفقت و خاطرات مشترکمان در جشن هم زنده باشد. سفره عقدشان یک میز چوبی بود که نگار خودش تزئین کرده بود؛ با گل‌دان‌های کوچک سفالی که خودش ساخته بود، قرآن پدربزرگش، و شمع‌هایی که آرش دست‌ساز کرده بود. مهمانانشان فقط خانواده‌ها و چند دوست نزدیک بودند. غذاها ساده بودند: پیتزا و سالادهایی که از منوی همان کافه سفارش داده شده بود و طعمی دلپذیر داشت. حالا آن‌ها در یک خانه کوچک ۴۰ متری زندگی می‌کنند که خودشان دکور کرده‌اند. آرش می‌گوید: زندگی‌مان ساده است، اما هر روز حس می‌کنیم چیزی داریم که هیچ ثروتی نمی‌تواند بخرد.

در جامعه‌ای که هزینه‌های سنگین ازدواج برای بسیاری از جوانان به مانعی بزرگ تبدیل شده است، زوج‌هایی وجود دارند که با حداقل امکانات راهی برای ساختن زندگی مشترک پیدا کرده‌اند. داستان این افراد، نه تنها الهام‌بخش است، بلکه درسی ارزشمند درباره اولویت‌بندی ارزش‌های واقعی زندگی ارائه می‌دهد. به گزارش ایرنا زندگی، در دنیای پرشتاب امروز، جایی که هر روز از گوشه و کنار اخبار زندگی‌های مجلل و نمایش‌های پر زرق‌وبرق می‌آید، یک تغییر جدید در حال شکل‌گیری است. در حالی که بسیاری از جوانان به دنبال دستیابی به یک زندگی پر از تجملات هستند، برخی از زوج‌های جوان تصمیم گرفته‌اند مسیر متفاوتی را بروند؛ مسیری که در آن، سادگی و حقیقت زندگی جایگزین نمایش‌های سطحی و مادی شده است. این زوج‌ها به‌جای سرمایه‌گذاری در ظاهر و مراسمات پرهزینه، بر روی روابط، همدلی و رشد مشترک تأکید کرده‌اند. در این گزارش، داستان‌های الهام‌بخش چند زوج جوان را می‌خوانید که تصمیم گرفتند از همان ابتدا، زندگی مشترکشان را با تمرکز بر روی عشق، همکاری و آرامش شروع کنند. این زوج‌ها نشان داده‌اند که خوشبختی در سادگی است، نه در چشم و هم‌چشمی‌ها.

شروعی ساده، اما پر از امید

در روزگاری که وابستگی به خانواده برای شروع زندگی مشترک، امری طبیعی به نظر می‌رسید، امیر و فاطمه تصمیم گرفتند مسیر متفاوتی را انتخاب کنند. هر دو متولد سال ۱۳۷۶ بودند؛ امیر، پسری از خانواده‌ای مرفه در تهران، و فاطمه، دختری مستقل و پر از آرزوهای بزرگ. آن‌ها در سال ۱۳۹۶، پیمان ازدواج بستند، اما چیزی که این ازدواج را متمایز می‌کرد، تصمیمشان برای ساختن زندگی بدون پشتوانه مالی خانواده‌ها بود. در ابتدای زندگی، امیر و فاطمه تصمیم گرفتند به جای تکیه بر دارایی‌های خانواده، با تلاش خودشان زندگی را بسازند. برای کاهش هزینه‌ها، چند ماه اول را در خانه پدری امیر گذراندند. پس از مدتی، آن‌ها توانستند خانه‌ای کوچک در سیدخندان اجاره کنند. اگرچه این خانه از نظر اندازه کوچک بود، اما برای امیر و فاطمه، سرشار از عشق و امید بود. در این خانه، آن‌ها طعم واقعی استقلال را چشیدند و پایه‌های زندگی‌شان را محکم‌تر کردند. پس از چند سال، با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر، امیر و فاطمه توانستند خانه‌ای در پردیس خریداری کنند. این موفقیت، نتیجه‌ی سال‌ها صبوری، عشق و همدلی بود. امروز، آن‌ها صاحب یک فرزند هستند که روشنایی جدیدی به زندگی‌شان بخشیده است. داستان امیر و فاطمه، یادآوری می‌کند که

۵۸۰۰ میلیارد تومان است که نسبت به سال گذشته ۴۹ درصد افزایش داشته است. به گزارش روابط عمومی، سید محسن حسینی اظهار کرد: طبق بررسی‌های به‌عمل آمده طی ۷ ماه ابتدای سال جاری، درآمد شهرداری‌های استان بالغ بر ۲ هزار و ۱۸۸ میلیارد تومان بوده است که مبلغ ۷۱۴ میلیارد تومان (۴۸ درصد) بیشتر از مدت مشابه سال قبل و معادل ۳۸ درصد بودجه مصوب سال ۱۴۰۳ است. وی از تحقق ۳۸ درصدی بودجه شهرداری‌های استان طی ۷ ماه اول سال جاری خبر داد و افزود: از مجموع کل درآمدهای ۷ ماه اول سال جاری، ۴۰ درصد مربوط به شهرداری گرگان، ۱۴ درصد مربوط به شهرداری گنبدکاووس و ۴۶ درصد هم مربوط به سایر شهرداری‌های استان است.

افزایش ۴۹ درصدی بودجه مصوب شهرداری‌های گلستان

مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری گلستان گفت: بودجه مصوب شهرداری‌های استان در سال جاری،

و افت فشاری در حال حاضر وجود ندارد. وی با بیان اینکه برای جایگاه‌های سوخت CNG در استان گلستان هیچ‌گونه قطعی و محدودیتی از سوی این شرکت اعلام نشده است، افزود: ما همواره بر تأمین گاز مورد نیاز نظارت داریم و به شهروندان اطمینان می‌دهیم که وضعیت تأمین گاز برای CNG‌ها کاملاً پایدار است. مدیرعامل شرکت گاز گلستان با تأکید بر اینکه مردم اخبار را تنها از منابع رسمی پیگیری کنند، ادامه داد: مردم از توجه و یا اشاعه این‌گونه شایعات بی‌پایه خودداری کنند. طالبی در پایان گفت: در صورت بروز هرگونه تغییر یا محدودیت اطلاعات دقیق به‌صورت رسمی از طریق رسانه‌ها و کانال‌های ارتباطی شرکت اعلام خواهد شد.

مشکلی در تأمین گاز سی ان جی وجود ندارد

مدیرعامل شرکت گاز گلستان با رد شایعات مربوط به قطعی گاز در جایگاه‌های CNG اعلام کرد که تأمین گاز این بخش کاملاً پایدار است و مردم اخبار را فقط از منابع رسمی دنبال کنند. به گزارش روابط عمومی، علی طالبی در واکنش به اخبار و شایعات اخیر مبنی بر قطعی گاز CNG‌ها، اظهار کرد: هیچ‌گونه محدودیت